

بیانات در دیدار مسئولین اجرایی - 28 / مهر / 1390

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلّاة و السّلام على سيّدنا و نبينا ابي القاسم المصطفى محمّد و على آله الأطيبين
الأطهرين المنتجبين سيّما بقية الله في الأرضين.

این دیدار که با مسئولان و مدیران اجرائی سطوح مختلف از سراسر استان و در این جمع صمیمی انجام میگیرد، خصوصیتی دارد که در دیدارهای قبلی ما این خصوصیت وجود ندارد؛ و آن این است که مردم عزیز کرمانشاه با مجاهدتهای خودشان در طول سالهای گذشته، با اظهار لطفی که در این سفر نسبت به این حقیر انجام دادند، و با وفاداری نسبت به انقلاب، نشان دادند که مسئولیت مسئولان در قبال این مردم، مسئولیت سنگینی است. آن مسئولانی که در بخشهای مختلف، این بار سنگین تعهد بر دوششان هست، عمدتاً در همین جمعی که اینجا حضور دارید، محسوب میشوند. لذا در این جمع، یکایک من و شما که اینجا نشستهایم، بایستی نسبت به این مردم عزیز و خدمتگزار و وفادار احساس مسئولیت کنیم و هر کدام نقش خودمان را به بهترین وجه ایفاء کنیم. بنابراین بار سنگین، بر دوش شما برادران و خواهران عزیز است.

من لازم است اول تشکر کنم از مجموعه‌ی مسئولان استان - از مسئولان طراز بالای استان، تا همه‌ی مدیران و مجموعه‌های خدمتگزار در بخشهای مختلف - به خاطر زحماتشان، به خاطر خدماتشان، و بخصوص در این برهه، به خاطر محبت‌هایی که در این سفر انجام دادند و تلاشی که در این سفر در همراهی با مردم انجام گرفت. زبان ما از تشکر از مردم واقعاً قاصر است؛ چون مردم در همه‌ی مراحل این انقلاب نشان دادند که از ماها جلو هستند. آمادگی مردم برای حضور در عرصه‌های گوناگون انقلاب، شگفت‌آور است. با اینکه مردم سراسر استان کرمانشاه مطمئناً انتظارات و توقعات بحق و بجائی هم دارند و خواسته‌های برآورده‌نشده‌ای وجود دارد که حالا به دلائل مختلف این خواسته‌ها تحقق پیدا نکرده است و ان شاءالله در آینده تحقق پیدا خواهد کرد، اما مردم به رو نمی‌آورند که کمبودی هست، کسری‌ای هست، مشکلی هست؛ آنجائی که نیاز انقلاب و نیاز عرصه‌ی حضور است، بی‌دریغ وارد میدان میشوند؛ همچنان که ملاحظه کردید. البته حقاً و انصافاً مسئولان بخشهای گوناگون استان هم، چه در خود کرمانشاه، چه در این شهرهایی که ما رفتیم، چه در شهرهایی که بنده شخصاً رفتم، ولی دوستانمان و هیئت‌های نمایندگی در آنجا حضور پیدا کردند - در جاده‌ها، در راه‌ها، در مسیرها - زحمات زیادی را متحمل شدند.

من يك گلايه‌ی کوچکی هم دارم؛ چند روز است منتظر فرصتی بودم که این گلايه را هم عرض بکنم. آن گلايه این است که من وقتی توی خیابانهای کرمانشاه رفتم، دیدم به شکل غیر متعارفی عکسهای بزرگی از چهره‌ی این حقیر در مسیر نصب شده - به افراط، به اسراف - حتی به نظرم در راه پاوه که میرفتیم، من دیدم در بعضی جاها توی جاده هم عکس نصب کرده‌اند؛ چرا؟ این همه عکس! این کار چند تا اشکال دارد: یکی اینکه اینها هزینه‌بر است، خرج دارد - من اطلاع دارم، میدانم - و کاری است کاملاً غیر لازم، با هزینه‌ی سنگین؛ خب، این توجیهی ندارد. ثانیاً این نحوه‌ی کار کردن و عکس زدن و تبلیغهای اینجوری، مناسب وضع ما و شأن نظام جمهوری اسلامی و شأن طلبگی ما نیست؛ اینجور کارها مال دیگران است. کار ما بایستی با بساطت و سادگی پیش برود. اینجور کارهای رنگ و لعاب‌دار، متناسب با وضع ما نیست؛ و البته از لحاظ فنی هم کسی نگاه کند، اینها ضد تبلیغ هم هست. حالا اگر کسی هم می‌خواهد واقعاً يك محبتی بکند، اینها کارهایی است که خیلی تأثیر ندارد؛ تأثیرات عکس هم دارد. به هر حال من گلايه‌مند شدم، منتها ندانستم که به کی باید این گله را بگویم؛ کدامیک از دستگاه‌های مختلف در این زمینه دست‌اندرکار بودند و آنها این فکر را، این عمل را، این اقدام را کردند؛ دیدم بهترین جا، همین جاست؛ این

چند روزه، جای دیگری فرصت پیش نیامد. به هر حال اینجور کارها خوب نیست. این را همه‌ی دوستان، مسئولان و همکاران بدانند؛ این سبک کار کردن و تبلیغات این شکلی، باب انقلاب و نظام اسلامی نیست. ولی خب، حقاً و انصافاً، هم مردم و هم مسئولین، در این چند روزی که ما مهمان شما مردم عزیز کرمانشاه بودیم، سنگ تمام گذاشتند و محبت و صفای خودشان را به حد اعلی نشان دادند.

در جمع شما برادران و خواهران عزیز، من فقط دو سه تا نکته عرض میکنم: یکی این است که خدمت در نظام جمهوری اسلامی، حقیقتاً افتخار دارد؛ چون خدمتی است در جهت رضای الهی و در جهت کمک به مردم و در جهت استحکام بخشیدن به نظام اسلامی. من و شما هرچه بیشتر خدمت کنیم، هرچه بهتر کار کنیم، نظام جمهوری اسلامی استحکام بیشتری پیدا میکند. من و شما در کیفیت کارمان میتوانیم به نظام جمهوری اسلامی آبرو ببخشیم؛ خدای نکرده عکسش هم امکان پذیر است. پس کار ما از آنجائی که فقط یک کار اداری معمولی متعارف نیست، بلکه به نظام اسلامی، به چهره‌ی اسلام ناب و آنچه که ما ادعای آن را میکنیم، ارتباط پیدا میکند، از این جهت این اهمیت فراوان را دارد. بنابراین خدمت در این نظام، افتخار است. از همه‌ی احساسات و دریافته‌ها و تصورات، مهمتر و بالاتر این است که انسان وقتی دارد خدمت میکند، احساس کند در حال خدمت به دین است، در حال خدمت به اسلام است. فرق هم نمیکند؛ در بخشهای مختلف، هر جا مشغول هستید، احساس کنید که دارید به اسلام خدمت میکنید. این نیت خالصی که بر اثر این احساس در دل ما به وجود می‌آید، ارزش کار ما را مضاعف میکند و ان شاء الله اجر ما را پیش خدای متعال محفوظ میدارد. پس خدمت در این نظام را بایستی قدر بدانیم و آن را توفیقی برای خودمان و لطفی از طرف پروردگار نسبت به خودمان بشمریم.

نکته‌ی دوم این است که این استان - همان طور که آقایان اشاره کردند و من هم روز اول یک اشاره‌ای کردم - ظرفیتهای بسیار زیادی دارد برای پیشرفت، برای توسعه و رسیدن به یک سطح ممتاز از لحاظ زندگی عمومی و رفاه عمومی و آبادی و عمران استان. مسئولین استان و کسانی هم که برای استان برنامه‌ریزی میکنند، به همین معنا کاملاً واقفند. خب، بر اساس این ظرفیتهای، هیئت محترم دولت مصوبات خوبی هم گذراندند؛ که آقای استاندار اجمالی از این مصوبات را بیان کردند، و من باید واقعاً تشکر کنم. اینها مصوبات همه‌جانبه‌ای است، مصوبات خوبی است، مصوبات مهمی است، واقعاً میتواند استان را تکان بدهد و پیش ببرد؛ منتها یک شرط اساسی دارد و آن این است که دستگاه‌های مختلف تکالیف خودشان را در قبال این مصوبات بدرستی انجام بدهند؛ چون مصوبه یک طرح است، یک نقشه‌ی راه است؛ این نقشه باید ذره ذره عمل بشود. تکالیفی که این مصوبات ایجاد میکنند، بایستی در بخشهای مختلف، در مدیریتهای مختلف، با پیگیری تمام تحقق پیدا کند؛ این به عهده‌ی شماهاست؛ به عهده‌ی مدیریتهای استان در بخشهای مختلف است؛ و البته مدیریتهای مرکز در مجموعه‌ی دولت هم وظائفی دارند.

دیشب ما با آقایان محترمی که زحمت کشیده بودند از تهران آمده بودند، صحبت کردیم؛ آنها قول دادند که این کارها را با جدیت دنبال کنند و نگذارند شتاب این حرکت عمومی که برای استان در نظر گرفته شده است، گرفته بشود؛ باید شتاب داشته باشد تا کارها بدرستی و در جای خود انجام بگیرد.

بودجه‌هایی را هم در نظر گرفتند. البته در مسئله‌ی بودجه و اعتباراتی که برای کارها در نظر گرفته میشود، دو طرف وجود دارد: یک طرف، طرف دادن بودجه است، تخصیص بودجه است؛ یک طرف، طرف جذب بودجه است؛ جذب درست و منطقی و عقلانی و عادلانه و بجا مصرف شدن بودجه. اینها کارهای اساسی و مهمی است؛ اینهاست که استان را پیش میبرد.

همین مسئله‌ی اشتغال که آقایان هم اشاره کردند و به مسئولین محترم تأکید شد، واقعاً مسئله‌ی اساسی‌ای است.

خانواده‌هایی که جوانهائی دارند، بسیاری هم تحصیلکرده، در سرتاسر این استان، در خود کرمانشاه، در شهرستانهای مختلف، جوانهای فهمیده، اینها بیکار باشند؛ خب، این خیلی سخت است. باید برای اینها اشتغال به وجود بیاید؛ این اساس کار است. وقتی اشتغال بود، مفاسد ناشی از بیکاری هم به خودی خود جمع خواهد شد؛ چون بیکاری به دنبال خود مفاسدی را می‌آورد - مفاسد اخلاقی، مفاسد اجتماعی، مفاسد امنیتی؛ انواع و اقسام مفاسد - اشتغال که به وجود آمد، همهی اینها به خودی خود جمع میشود؛ هزینه‌ها از دوش دولت برداشته میشود. خب، اگر بخواهیم این اشتغال با همین شکلی که مسئولین محترم تصمیم‌گیری کردند، تحقق پیدا کند، کار لازم دارد؛ کار در تهران - دوستانی که از تهران اینجا تشریف دارند، مسئولیت‌هایشان سنگین است - کار در سطح بالای استان، بعد هم کار در مجموعه‌ی دستگاه‌های مدیریتی استان. بنابراین اگر بخواهیم استان کرمانشاه ان شاءالله یک تحرکی در جهت پیشرفت پیدا کند، این یک همت دسته‌جمعی و یک کار گسترده از سوی همهی مسئولین را می‌طلبد.

و بدانید خدای متعال به کوچکترین تلاش شما توجه میکند و برای آن، اجر و ثواب می‌گذارد و مینویسد؛ این کارها از دید خدای متعال بیرون نیست، خارج نیست. گاهی شما مسئول یک بخشی هستید، یک کاری در فلان اداره دست شماست؛ دلسوزی میکنید، علاقه‌مندی نشان میدهید، نیم ساعت بیشتر میمانید، دقت بیشتری میکنید، با مراجع اخلاق بهتری نشان میدهید، صبر و حوصله‌ی بیشتری میکنید، هیچ کس هم از شما تشکر نمیکند؛ یعنی کسی نمیفهمد که شما این زحمت را کشیدید، مافوق شما هم نمیفهمد، همکار شما هم ملتفت نمیشود؛ رنجی را تحمل میکنید، بدون اینکه کسی بفهمد یا کسی از شما تشکر کند؛ مردم نفهمیدند، اما خدا فهمید؛ دستگاه‌های مسئول و ناظر ثبت نکردند، اما کرام‌الکاتبین ثبت کردند، مأموران الهی اینها را ثبت میکنند. بنابراین یک لحظه‌ی زحمت و تلاش شما هدر نخواهد رفت. اجر الهی خیلی بالاتر از این اجرهای دنیوی است، که ما زبانی از شما تشکر کنیم یا فرض کنید یک فوق‌العاده‌ای برای فلان کاری به ما بدهند؛ اینها چیزی نیست، اجر الهی مهم است، قبول الهی مهم است. هیچ کار شما، هیچ تلاش شما نیست که برای خدا انجام بگیرد، مگر اینکه قبول الهی، لطف الهی، اجر الهی و پاداش الهی بلافاصله پشت سر آن هست؛ ولو دیگران نفهمند. با این نگاه باید کار کرد، تلاش کرد.

این را هم عرض بکنم که امروز علی‌رغم همهی دشمنی‌ها، همهی خباثتها، همهی لشکرکشی‌های تبلیغاتی و سیاسی و امنیتی و اقتصادی و غیره که علیه ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی دارند انجام میدهند و در واقع دشمنی‌ها با اسلام است و میخواهند از اسلام انتقام بگیرند، ما به توفیق الهی داریم پیش میرویم؛ آن هم با سرعتی بیش از سرعت متوقع و متعارف. ما داریم خیلی خوب به جلو حرکت میکنیم. اگر هیچ دلیل دیگری بر این وجود نداشته باشد، همین دلیل کافی است که دشمن متوجه و مترصد درصدد عکس‌العمل بربیاید؛ همین کارهائی که می‌بینید در تبلیغات و غیر تبلیغات و فشار اقتصادی و بهانه‌های گوناگون در دنیا مطرح میکنند. وقتی جبهه‌ی استکبار - که یک دشمن قوی‌پنجه‌ی مادی است - اینجور وارد میدان میشود، خود این دلیل بر این است که شما دارید موفق میشوید؛ والا اگر شما بی‌اثر بودید، بی‌خاصیت بودید، عقب‌مانده بودید، پیشرفتی نداشتید، دشمن اصراری نداشت که اینجور با شما پنجه در بیندازد؛ دشمن می‌بیند که شما دارید جلو می‌روید.

خوشبختانه امروز در سطح منطقه، گفتمان اسلام، گفتمان پیروی از معارف اسلامی و احکام اسلامی و شریعت اسلامی، شده گفتمان غالب. در کشورهائی انقلاب شد، حرکت شد و مردم شعار دادند؛ در کشورهای دیگری هم اگرچه این تظاهر وجود ندارد، اما در باطن امر مردم اینجورند؛ آدم نشانه‌هایش را دارد مشاهده میکند؛ این همان گفتمان شماست، این همان حرکت شماست. و جمهوری اسلامی و کشور عزیز ما الان به عنوان یک نمونه و یک الگو مطرح است؛ نگاه میکنند، میسجند؛ همان طور که ما در صحبت قبلی هم عرض کردیم. تمام آنچه که در کشور ما میگذرد و جمع‌بندی شده‌ی این حوادث، امروز برای ملت‌ها مطرح است، مورد توجه آنهاست. سعی دشمن این است که این جمع‌بندی را خراب کند؛ ما باید سعی‌مان این باشد که هرچه ممکن است، این جمع‌بندی را

زیباتر، منظم‌تر و هماهنگ‌تر به دنیا ارائه بدهیم.

خدا را شکر میکنیم که الحمدلله نعمت توجه به معنویت در این استان سرشار است؛ جوانان استان، جوانان خوبی هستند؛ پدر و مادرها، پدر و مادرهای خوبی هستند؛ فضای عمومی استان، فضای عواطف انسانی و اسلامی است؛ اینها خیلی مهم است. ان‌شاءالله دستگاه‌های مختلف سعی کنند این جنبه‌ی معنوی و روحانی در بین مردم و در فضای عمومی مردم تقویت پیدا کند.

یکی از چیزهایی که حتماً بایستی مورد توجه قرار بگیرد و مسئولین محترم به آن توجه کنند، پرداختن به مساجد است. ما در سراسر استان کمبود مساجد خیلی داریم - هم در روستاها، هم حتی در شهرها - این کمبودها را باید جبران کنند. مراکزی هستند که به مردم معنویت میبخشد. همین مزار جناب احمدبن اسحاق که مورد توجه قرار گرفته است، باید روزبه‌روز توجه به این مزار شریف بیشتر شود. این شخصیت برجسته و بزرگ، یکی از برترین صحابی‌های ائمه، از حضرت جواد به بعد است؛ از برجسته‌ترین روات و اصحاب این بزرگواران است. این اقبال این منطقه و این سرزمین است که این بزرگوار در اینجا مدفون است. مزار ایشان در سرپل ذهاب است. توجه به این مزار، رفت و آمد به آنجا، خود کانونی از معنویت را به وجود می‌آورد. به مساجد توجه بشود؛ به این مزار شریف توجه بشود؛ به مزارات دیگری که در جاهای مختلف استان هست، ان‌شاءالله توجه بشود. هرچه ممکن است، کانونهای معرفت دینی برای جوانها گرم بشود؛ این پشتوانه است؛ این آن چیزی است که میتواند ان‌شاءالله حرکت نظام را به سمت جلو و پیشرفت تسریع کند.

از خداوند متعال مسئلت میکنیم که ان‌شاءالله رحمت و فضل و برکات خود را بر این استان و مردم این استان نازل کند. پروردگارا! به محمد و آل محمد، لطف و تفضل خودت را بر این مردم نازل کن. پروردگارا! جوانان این مرز و بوم را، جوانان این منطقه را مشمول رحمت و تفضل خودت قرار بده. پروردگارا! روزبه‌روز بر توفیقات مادی و معنوی این مردم بیفز. ارواح طیبه‌ی شهدای این مرز و بوم را با پیغمبر محشور کن.

والسلام علیکم و رحمة‌الله و برکاته